

قیام ۱۹ دی ماه سال ۱۳۵۶ قم

بررسی علل، زمینه‌ها، چگونگی، بازتابها و نتایج

پژوهشگر: علی شیرخانی

<http://www.irdc.ir/fa/content/6182/default.aspx>

در روز شنبه هفدهم دی ماه ۱۳۵۶، روزنامه اطلاعات در قم پخش شد. در صفحه هفتم روزنامه، مقاله‌ای با عنوان "ایران و استعمار سرخ و سیاه" با نام مستعار "احمد رشیدی مطلق" نظر خوانندگان را به سوی خود جلب کرد. نویسنده در آن مقاله، به طور صریح بی‌حجابی را فضیلت دانسته و حجاب کهنه‌پرستی و ارتجاع سیاه معرفی شده و به امام خمینی، بزرگ مرجع عالم تشیع، اهانت کرده بود و قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ توطئه استعمار سرخ و سیاه معرفی شده بود. روزنامه رستاخیز نیز در همان روز، تظاهرات گروه قابل توجهی از زنان مشهد را در مخالفت با کشف حجاب "تظاهری از يك اتحاد نامقدس" نامید. داغی که رحلت آقا مصطفی بر دل‌های عاشقان امام نهاده بود، به انبار باروتی می‌مانست که با جرقه‌ای هر چند کوچک، انفجار مهیبی را باعث می‌شد و مقاله رشیدی مطلق در حکم این جرقه بود، تا مجدداً تظاهرات گسترده‌ای علیه رژیم تدارک دیده شود.

رحلت مشکوک آیت‌الله مصطفی خمینی، آغاز قیام عمومی پس از چند حرکت اعتراض‌آمیز، از جمله تظاهرات دانشجویان و مردم در روز عید فطر و در صحن حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری، رحلت فرزند ارشد امام، آیت‌الله مصطفی خمینی، در آبان ۱۳۵۶، شتاب خاصی به حرکت انقلاب اسلامی بخشید که می‌توان موج ناشی از آن را به عنوان آغاز قیام عمومی مردم علیه شاه دانست. پس از رحلت حاج آقا مصطفی، مجالس ختم مفصلی در داخل و خارج کشور به مناسبت شب هفت و چهلم ایشان، برگزار شد. در خلال هر يك از اینها، تظاهرات گسترده‌ای علیه رژیم شاه برپا می‌افتاد. امام نیز به مناسبت چهلم فرزندش، طی بیاناتی، ضمن تشکر از همه طبقات مردم و علما، رحلت آقا مصطفی را "از الطاف خفیه الهی" دانسته و ضمن تأکید بر اهمیت فرصت سیاسی به دست آمده، به روحانیون متذکر شد که مبارزه علیه رژیم را شدت ببخشند. رحلت آقا مصطفی فرصت مغتنمی بود تا امام، بار دیگر به عنوان رهبر حرکت اسلامی مردم مطرح شود. این مسئله برای رژیم پهلوی بسیار گران بود. رژیم اذعان داشت که اگر امام خمینی بتواند بار دیگر رهبری تشکلهای سیاسی را به دست بگیرد، با استفاده از تشکیلات سراسری روحانیت، خواهد توانست بیداری آحاد مردم را نسبت به جنایات پهلوی، سبب گردد. آتش حرکت مردم و انقلاب به مرور افروخته می‌شد و پیامها و سخنرانیهای امام نیز جهتگیری نهضت را مشخص می‌کرد. ضربه‌ای که به تصور رژیم شاه با رحلت آقا مصطفی باید بر امام وارد می‌شد، کارگر نیفتاد و امام در پاسخ به پیامهای تسلیت، نه تنها از تألمات شخصی خود یاد نکرد، بلکه از وحدت مردم و استفاده از فرصتی که برای سرنگونی رژیم بدست آمده سخن به میان آورد. جرقه قیام ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ قم بعد از قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، رژیم شاه برای خنثی نمودن حرکت اسلامی مردم، امام را تبعید کرد و سعی فراوان داشت تا فرد یا تشکیلاتی را جایگزین خلاء وجودی امام بکند؛ تا به این وسیله بتواند از یکسو با ظاهر اسلامی و عوام‌پسند، نظر توده‌ها را از امام منحرف سازد و از سوی دیگر این فرد یا تشکیلات خطر چندانی برای حکومت ایجاد نکند. مرجع‌تراشی در مقابل امام و از حرکت‌های مشکوک بعد از تبعید امام تا روزهای پیروزی انقلاب

اسلامی بود. شخص شاه و رژیم وی، همواره سعی کردند تا یاد و خاطره امام را از اذهان ملت محو کنند و در این راستا با پخش اعلامیه و شبنامه، به امام توهین می‌کردند. پس از رحلت آیت‌الله مصطفی خمینی، دگرباره یاد و خاطره امام در دلها زنده شد و بار دیگر مردم و حوزه‌های علمیه متوجه نجف‌اشرف شدند و در مجالس و محافل از علل و چرایی عدم وجود امام در ایران سخن به میان آمد. در روز هفدهم دی ماه سال ۱۳۵۶، همزمان با سالروز کشف حجاب توسط رضا شاه و اعلام اصلاحات ارضی به وسیله محمدرضا شاه، روزنامه اطلاعات مقاله توهین‌آمیزی را علیه امام، روحانیت و مقدسات اسلامی منتشر کرد. توزیع روزنامه اطلاعات در قم در روز شنبه هفدهم دی ماه ۱۳۵۶، روزنامه اطلاعات در قم پخش شد. در صفحه هفتم روزنامه، مقاله‌ای با عنوان "ایران و استعمار سرخ و سیاه" با نام مستعار "احمد رشیدی مطلق" نظر خوانندگان را به سوی خود جلب کرد. نویسنده در آن مقاله، به طور صریح بی‌حجابی را فضیلت دانسته و حجاب کهنه‌پرستی و ارتجاع سیاه معرفی شده و به امام خمینی، بزرگ مرجع عالم تشیع، اهانت کرده بود و قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ توطئه استعمار سرخ و سیاه معرفی شده بود. روزنامه رستاخیز نیز در همان روز، تظاهرات گروه قابل توجهی از زنان مشهد را در مخالفت با کشف حجاب "تظاهری از يك اتحاد نامقدس" نامید. داغی که رحلت آقا مصطفی بر دل‌های عاشقان امام نهاده بود، به انبار باروتی می‌مانست که با جرقه‌ای هر چند کوچک، انفجار مهیبی را باعث می‌شد و مقاله رشیدی مطلق در حکم این جرقه بود، تا مجدداً تظاهرات گسترده‌ای علیه رژیم تدارک دیده شود. حوزه علمیه قم به دنبال درج مقاله در روزنامه اطلاعات، حالت غیرعادی به خود گرفت و طلاب با رفتن به منازل مراجع، اعتراض خود را به رژیم شاه اعلام داشتند و با پیوستن مردم قم به جمع طلاب، این اعتراضات تبدیل به قیام نوزدهم دی ماه شد، که شرح حادثه در زیر می‌آید. عکس‌العمل مدرسین حوزه علمیه قم انتشار مقاله مذکور، موجی از خشم و نفرت را در دل‌های دوستداران امام برانگیخت و مدرسین حوزه علمیه آن زمان (حضرات آیات و حجج اسلام، یوسف صانعی، سیدحسن طاهری خرم‌آبادی، محمد مومن، علی مشکینی، ناصر مکارم شیرازی، سیدحسن موسوی تبریزی، وحید خراسانی و محمد یزدی) را واداشت که در منزل آیت‌الله حسین نوری گرد هم آیند تا اقدامی هماهنگ علیه رژیم داشته باشند. پس از بررسی ابعاد گوناگون برخورد با رژیم، تصمیم گرفته شد که روز هجدهم دی، درس‌های حوزه علمیه قم تعطیل گردد و قرار بر این شود تا هر يك از اعضای جلسه، تعطیلی دروس را در آن روز معین، به دیگر مدرسان حوزه و مراجع اطلاع دهند. شب يكشنبه و روز يكشنبه، بعد از نماز صبح به وسیله تلفن و ملاقات‌های خصوصی، به مراجع و اساتید و بسیاری از طلاب اطلاع داده شد و این مسئله مورد گفت و گوی بیشتر طلاب قرار گرفت و تصمیم بر آن شد تا کلیه دروس حوزه علمیه در آن روز، تعطیل گردد. تظاهرات و حرکت به سوی منازل مراجع طلاب تا ساعت ۹ صبح هجدهم دی، تنها به نقل اخبار مربوط به مقاله روزنامه اطلاعات پرداختند و بعد از آن با تشکیل اجتماع بزرگی در بیرون مدرسه خان، تظاهرات خود را همچون امواج آرام رودخانه، به سوی منازل مراجع وقت آغاز کردند. آنگاه با تجمع در مقابل منازل هر يك از مراجع با دادن شعارهایی به حمایت از امام خمینی پرداختند. پلیس، ساواک و گروهی از افراد مسلح با سلاح گرم و سرد در مسیر ارم چهارمردان، به کمین نشستند تا مانع حرکت طلبه‌های تظاهر کننده که خالصانه در این راه قدم گذاشته بودند، شوند. نیروهای امنیتی، در ابتدا با یورش به صف تظاهرکنندگان، سعی در جلوگیری از رفتن نمودند، اما با مقاومت طلاب که با سنگ و آجر و چوب، مقابله می‌کردند، مواجه شدند، در نهایت دژخیمان اعلام داشتند در صورتی که راهپیمایان شعار ندهند و آرام حرکت کنند، می‌توانند به تظاهرات خود ادامه دهند. آنگاه طلاب در خیابان چهارمردان به منزل آیت‌الله گلپایگانی رفتند و ایشان طی سخنانی فرمود: "اینها به آن آقا [امام خمینی] توهین نکردند، اینها به ما توهین کردند. برای اینکه اینها با این کارشان شان دادند و خواستند بگویند که آن آقا [امام خمینی] با ما مخالف است و مفهوم حرفشان این است که ما با اینها [رژیم شاه]

موافقیم، اینکه ما با اینها موافقیم، توهین به ماست. ما در گذشته با اینها مخالف بوده‌ایم و در آینده نیز مخالف خواهیم بود." سپس به ایشان در منزل خود برای طلاب خشمگین سخنرانی کرد و به طلاب وعده داد که ما ساکت ننشسته‌ایم، زیرا در پشت پرده اقداماتی در این زمینه انجام می‌دهیم و از طلاب خواست تا تشنج و آشوب برپا نکنند. برنامه تظاهرات و رفتن به منازل مراجع، تا هنگام ظهر روز هجدهم دی ادامه یافت، تا اینکه تظاهرکنندگان برای ادای فریضه ظهر و عصر پراکنده شدند و قرار گذاشتند ساعت سه بعدازظهر، جهت حرکت به سوی منزل آیت‌الله نجفی مرعشی، جلوی مدرسه خان تجمع نمایند. در ساعت مقرر بار دیگر جمعیت متشکلی در جلوی مدرسه خان به وجود آمد و حرکت خود را به سوی منزل آقای نجفی مرعشی شروع کردند. آیت‌الله نجفی مرعشی هم به ایراد سخن پرداخت و برای رفع گرفتاریهای مسلمین و از جمله مسئله اهانت به مرجع تقلید جهان تشیع و ... دعا نمود. بدین ترتیب برنامه تظاهرات عیه رژیم و حرکت به سوی منازل مراجع ادامه پیدا کرد. شرکت دانش‌آموزان در تظاهرات در حالی که روز هجدهم دی ماه می‌رفت تا به غروب پایان پذیرد، نوجوانان دانش‌آموز دبیرستانهای قم، با بیشترین میزان غرور و شهامت، به صف روحانیون پیوستند. نماز جماعت مغرب و عشا در مسجد اعظم برگزار شد و بعد از نماز، طلاب و دانش‌آموزان و مردم همراه، مسجد را با شعارهایی که از جانشان برمی‌خاست تکان داده و فریاد زدند: "مرگ بر این حکومت یزیدی" "مرگ بر این حکومت پهلوی" "دانش‌آموز روحانی پیوندتان مبارک" مردم به تظاهرات خود آرامش بخشیده و در مسجد اعظم و در حرم حضرت معصومه ادامه دادند. فریادهای خالصانه آنان در سنگر مبارزه، با الهام از مکتب توحید، باعث تحریک عواطف و احساسات مردم موجود در حرم حضرت معصومه (س) و به حرکت در آمدن آنان شد. در مقابل این صحنه پرشور و فضای روحانی، پلیس به وحشت افتاد و دستور داد که همه مردم را از حرم و صحن مطهر خارج کنند. نیروهای نظامی و انتظامی، همراه با ماشینهای آتش‌نشانی، برای پاشیدن آب به مردم و متفرق کردن آنان، در خیابان موزه و در برابر دو در "مسجد اعظم"، آماده ایستاده‌اند. کثرت جمعیت، قدرت کنترل را از دست پلیس خارج ساخت؛ چرا که این وحدت و همبستگی، پاسخی محکم بود به مخالفان. سرانجام پس از يك ساعت، شعارهای مردم قطع شد و جمعیت، آرام آرام از مسجد و حرم حضرت معصومه (س) بیرون آمدند. پلیس در ابتدای خروج مردم از حرم و مسجد، واکنشی نشان نداد اما آخرین نفرات مردم مورد ضرب و جرح نیروها قرار گرفته و در دو طرف پل آهنچی طلاب نیز با باتوم، مورد ضرب و جرح قرار گرفتند. بعد از خروج از مسجد اعظم و حرم، عده‌ای از جمعیت به سمت خیابان صفائیه و عده بیشتری به سوی چهار مردان حرکت کردند. آن شب در ظاهر مبارزه تمام شده بود، اما نه برای همیشه. آن روز آغازی بود برای مبارزان تا در خلوت تنهایی خویش، رشته افکارشان را حلاجی کنند. تظاهرات روز ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ در آن روز، بعضی از آقایان، درس خود را شروع کردند؛ اما وقتی با اجتماع طلاب روبه رو شدند، بناچار درس را تعطیل کرده و در نهایت، تمام دروس حوزه، همان روز تعطیل شد. عده‌ای از بازاریان، روز قبل، با فضیلت آن زمان که در حقیقت رهبری حرکت را به عهده داشتند، وارد مذاکره شدند و قرار بر این شد تا روز نوزدهم دی ماه بازار نیز تعطیل شود. در آن روز، بازاریان از ساعت ۸ صبح به صفوف طلاب پیوستند و بدین سان موجی از اقبال مختلف مردم، در مقابل مدرسه خان و میدان آستانه تجمع کردند و شهر قم، حالت روز عاشورا به خود گرفت. طلاب و تظاهرکنندگان، شروع به رفتن به در منازل بزرگان حوزه نمودند. مقصد و منزل اول، منزل آیت‌الله میرزاهاشم آملی (ره) بود. وقتی که تظاهرکنندگان به مقابل منزل ایشان رسیدند، آیت‌الله آملی طی سخنانی به بیان عظمت و شخصیت فوق‌العاده امام خمینی پرداخت و هیئت حاکمه و رژیم پهلوی را مورد نفرت روحانیت و ملت قلمداد نمود. سپس طلاب و مردم خشمگین در مقابل منزل علامه طباطبایی تجمع کردند، ولی به علت کسالت علامه، آیت‌الله محمد یزدی که همسایه علامه بود، به نمایندگی از طرف وی، راجع به شخصیت امام خمینی و مبارزات ایشان و محکومیت رژیم پهلوی

در اهانت به امام و روحانیت، سخنانی ایراد کرد. تظاهرکنندگان آنگاه در منزل و مدرسه آیت‌الله مکارم شیرازی تجمع نمودند و وی طی سخنانی گفت: "مسئله، مسئله هتاکی نسبت به آیت‌الله العظمی آقای خمینی نیست، این در واقع هتاکی به تمام مقدسات و به همه ماست... طلاب نباید از همدیگر جدا شوند و باید وحدت داشته باشند. اگر بناست زنده بمانیم همه باید زنده بمانیم، و اگر بناست بمیریم، همه باید بمیریم، جدایی بین ما نخواهد بود". سپس طلاب به منزل آیت‌الله وحید خراسانی رفتند، وی در اجتماع طلاب و تظاهرکنندگان درباره مسئله آزادی زن و جایگاه آن در اجتماع از نظر اسلام به سخنانی پرداخت. حرکت طلاب و تظاهرکنندگان ادامه یافت، تا اینکه هنگام ظهر جمعیت پراکنده شدند و برای ساعت ۳ بعدازظهر قرار گذاشتند که به منزل آیت‌الله حسین نوری بروند و اظهار تظلم کنند. چهره و فضای شهر قم در ۱۹ دی ماه تظاهرات عظیم و گسترده طلاب و تعطیلی بازار، چنان اثر مثبت و عمیقی در مردم قم گذاشت که حتی صاحبان مغازه‌های اطراف حرم حضرت معصومه که جز در ایام عاشورا، ۲۱ رمضان و ۲۸ صفر تعطیل نمی‌کردند، همگی مغازه‌های خود را بستند. در بین مردم همه جا بحث و گفت و گو درباره مقاله روزنامه اطلاعات بود. زن و مرد، بچه و بزرگ از اهانت رژیم سخن به میان آورده و نفرت و انزجار خود را از رژیم سفاک پهلوی و تهیه‌کنندگان مقاله، اعلام می‌کردند. هر کس به میزان آشنایی‌اش با مسائل سیاسی و اجتماعی، در این باره به صحبت می‌پرداخت. عده‌ای از رواج بی‌عفتی‌ها سخن گفتند و عده‌ای از نابود شدن فرهنگ اسلامی. آری! ریشه درخت اسلام را افعی گزیده بود و با زهر دندانش، دیگر شاخساران سبز نمی‌شدند مگر اینکه نسیمی ملکوتی نوازشش دهد و نهالی به بار نشانند، تا عاشقانی درخت اسلام را با نثار خون پاکشان سیراب سازند، چگونه می‌توان پادزهری بر آن جست؟! بعدازظهر ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ طلاب و مردم ساعت ۳/۱۵ روز دوشنبه، نوزدهم دی در میدان آستانه و مقابل مدرسه خان جمع شدند و به سوی منزل آیت‌الله حسین نوری حرکت کردند. به مرور به علت کم شدن ترس و وحشت و همین طور عادی شدن مسئله، جمعیت بیشتری از طبقات مختلف مردم وارد تظاهرات می‌شدند. کماندوهای زبده و مأمورین انتظامی و نظامی در سه راه موزه و چهار راه بیمارستان و خیابان ارم، با آمادگی کامل می‌ایستادند. جمعیت انبوه تظاهر کننده به منزل آیت‌الله حسین نوری در خیابان صفائیه و کوچه بیگدلی رسیدند؛ انبوه جمعیت به گونه‌ای بود که اتاقها و حیاط منزل ایشان و کوچه بیگدلی تا خیابان صفائیه مملو از جمعیت شده بود. در منزل آیت‌الله نوری، ابتدا حجت‌الاسلام سیدحسین موسوی تبریزی سخنانی کرد. وی در سخنان خود به مسئله امامت و رهبری امام خمینی و همین طور حکومت اسلامی و وظیفه مردم در قبال مسئله اهانت روزنامه اطلاعات اشاره کرد، سپس آیت‌الله نوری برای مردم خشمگین چنین گفت: "هر کجا نهضت قابل توجهی به وجود آمده، روحانیت راستین اسلام در پیشاپیش آن نهضتها در حرکت بوده و رهبری نهضت به دست آنان هدایت می‌شده، روحانیت در حرکت جامعه نقش مؤثر و خلاقیتی داشته است و مردم مسلمان با روحانیت اصیل هستند و روحانیت اصیل با آیت‌الله العظمی آقای خمینی و در پشت سر ایشان و مبارزه دستگاه طاغوتی با اسلام و رهبری آیت‌الله خمینی به جایی نخواهد رسید." آیت‌الله نوری خطاب به شاه و مقایسه کارهای امام با شاه، این شعر را خواند: چون تو خفاشان بسی بیند به خواب این جهان ماند یتیم از آفتاب مه فشاند نور و سگ عوعو کند هر کسی بر طینت خود می‌تند جمعیت پس از استماع سخنان تند و صریح آیت‌الله نوری علیه رژیم شاه و در حمایت از امام خمینی و نهضت اسلام، جری‌تر شده و با شعارهای تند علیه رژیم، به حمایت از امام خمینی پرداختند و حرکت خود را به طرف خیابان صفائیه ادامه دادند. در میان تظاهر کنندگان، زنان، کارگران، کسبه، دانشجویان و کودکان مدرسه‌ای مشاهده می‌شدند. تا آنجایی که حرکت جمعیت بلامانع بود و آنها بدون اینکه مشکل اساسی برایشان به وجود آید به محکوم کردن عمل ننگین رژیم در اهانت به امام و روحانیت پرداختند. کشتار علنی مردم هنگام غروب روز دوشنبه نوزدهم دی ماه، جمعیت تظاهرکننده خشمگین، از خیابان

صفائیه به طرف چهار راه بیمارستان (چهار راه شهدا فعلی) حرکت کردند و قصدشان این بود که از طریق خیابان ساحلی به منازل آیت‌الله سلطانی طباطبایی و آیت‌الله مشکینی بروند و نزد آنها نیز اظهار تظلم نمایند. هنوز ده دقیقه از راهپیمایی نگذشته بود که يك مرتبه جمعیت با شتاب و فشار هر چه تمامتر به عقب برگشت. هر کس و هر گروهی به سمت و سویی رفت؛ چرا که در جلوی صف تظاهرات، ضحاکیان قد علم کرده بودند. گویا به دستور کامکار و محمدی که از رؤسای نیروهای امنیتی قم بودند، برای زمینه‌سازی حمله به تظاهرات مردمی که با گامهای آزاد و خاطری بی‌تشویش پیش می‌آمدند، اقدام به شکستن شیشه‌های بانک و مؤسسات واقع در میدان شهدا نمودند. پلیس با این بهانه با باتوم و چماق به طلاب و مردم حمله‌ور شد و سپس تیرهوایی شلیک کرد. بعد از آن به طور علنی مردم را مورد هدف قرار داد و بر زمین انداخت. سپس پیکار خونین آغاز شد و طلاب و جمعیت ابتدا با مشت و لگد به مقابله با مأموران پرداختند و سپس بلوط کهنسال در میدان نبرد حضور یافت و شاخه‌های خشکیده‌اش را به دستان آتشین سرسپردگان توحید نهاد. بدین صورت بعد از دو روز تظاهرات آرام تظاهرکنندگان علیه اهانت و بی‌حرمتی رژیم به مرجع عالیقدر جهان تشیع، بعد از ظهر روز دوشنبه نوزدهم دی ماه به خاک و خون کشیده شدند. تظاهرکنندگان با دیدن اجساد چهار تن از شهدای این تظاهرات، به آرامی آنان را به دوش گرفتند و با شعارهای "الله اکبر" و "لا اله الا الله" حرکت کردند و قصدشان بر این بود که شهدا را به منزل آیت‌الله نجفی مرعشی برسانند. در این زمان صدای رگبار گلوله از هر سو طنین‌انداز می‌شد و نشانگر آن بود که راهپیمایان در هر نقطه‌ای از شهر پراکنده شده‌اند. آتش دژخیم همچنان ادامه داشت، به طوری که به شهادت آمار، حدود پانزده نفر از اقشار مردم، در آن روز شهید و یا زخمی شدند. انتقال مجروحین و شهدا بعد از حمله مأموران رژیم به صف تظاهرکنندگان بی‌دفاع، مرم در حد توان خود، به انتقال مجروحین و پیکر شهدا پرداختند. سه تن از شهدا و عده‌ای از مجروحین به بیمارستان آیت‌الله گلپایگانی انتقال یافتند. مأموران به محض اطلاع از این انتقال، به بیمارستان گلپایگانی رفته و از مسئولین بیمارستان خواستند که اجساد شهدا را به آنان تحویل دهند. ولی مسئولین بیمارستان، با آیت‌الله گلپایگانی مشورت کردند و ایشان هم موافقت نکرد که اجساد را به مأموران تحویل شود. مجروحین این قیام با همکاری مردم و پزشکان، سرپایی و در بیمارستانهایی که احتمال همکاری پزشکان و کارکنان با مردم انقلابی داده می‌شد، مداوا شدند. بازتابها روز بیستم دی ماه، طلاب در درس خود حاضر نشدند و حوزه، خود به خود تعطیل شد و شهر قم در سکوتی غمناک و بسیار تلخ فرو رفت. مدرسان و علما با یکدیگر به شور و مشورت پرداختند تا اطلاعیه‌ای در محکومیت کشتار مردم و طلاب صادر کنند. اطلاعیه نوشته شد و به امضای علمای وقت رسید و آنگاه منتشر گردید. طی آن، ضمن محکوم کردن کشتار مردم، این سوال را مطرح کردند که: "آیا فضای باز سیاسی به این معناست که اگر کسانی به مطالب غیرواقعی روزنامه، اعتراض می‌کنند، در برابر گلوله قرار گیرند؟". رژیم شاه با وحشت از ارتکاب کشتار قم، شب بیستم دی ماه، به عنوان اولین اقدام، شهر را مملو از نیروهای امنیتی کرد، جو رعب و وحشت ایجاد نموده و شهر را به نوعی به حکومت نظامی تبدیل کرد. مأموران ساواک از روز بیستم دی ماه به بعد، به منازل علما و روحانیون مبارز و طلاب انقلابی یورش برده و به دستگیری و تبعید آنان پرداختند. پزشکان متدین و متعهد قم نیز در روز بیستم دی ماه با صدور اطلاعیه‌ای، ضمن محکوم کردن اعمال رژیم، کمیته‌ای جهت مداوای مجروحین و مصدومین واقعه تشکیل دادند. روز بیست و یکم، دانشجویان دانشگاه صنعتی تهران، در محوطه دانشگاه اجتماع کردند تا به کشتار بی‌رحمانه مردم قم و سایر بیدادگریهای رژیم اعتراض کنند، که با حمله کماندوها و دیگر نیروهای دولتی رو به رو شدند. در این جریان، حدود هشتاد دانشجو مجروح و مضرور شدند. علما و وعاظ تهران و سایر شهرستانها، با انتشار يك اعلامیه، گزارشی از چگونگی قیام مردم قم را به ملت ایران ارائه دادند و جنایات رژیم شاه را آشکار ساختند. جامعه بازرگانان و پیشه‌وران

تهران نیز در اعتراض به کشتار قم، با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام تعطیل عمومی کرد. مراجع قم، در روز بیست و دوم دی ماه اطلاعیه‌ای جداگانه صادر کردند و ضمن محکوم نمودن اعمال رژیم در به خاک و خون کشیدن مردم قم، متذکر شدند که، رژیم به جای توجه به اعتراض صحیح و منطقی طلاب و مردم، اعمالی را که در تمام جوامع بشری محکوم است مرتکب شده و با اسلحه گرم به آنها حمله‌ور می‌شوند و بیگناهان را به قتل و جرح می‌رسانند. ما مصادر امور را مسئول این قضایا می‌دانیم و شدیداً معترض هستیم. رژیم شاه به وسیله عمال ساواک، ترتیب تظاهراتی را که مرکب از کارمندان آموزش و پرورش تهران، اعضای حزب رستاخیز و دیگر کارمندان دولت بود، داد و سعی نمود وانمود کند که روشنفکران ایران، شورش مرتجعین قم را محکوم می‌کنند. تظاهرکنندگان قلابی، صبح روز بیست و سوم دی ماه ۱۳۵۶ سوار بر اتوبوسها شده و راهی قم شدند. آنان در شهر قم طی يك راهپیمایی، به حمایت از شاه پرداخته و "جاوید شاه" گویان به سمت حرم حرکت کردند. عکس‌العمل دیگر رژیم در قبال واقعه نوزدهم دی ماه، که به عزم انحراف افکار عمومی از رهبری امام و مسیر صحیح و اصولی مبارزه انجام شد، دادن اجازه فعالیت به برخی از گروههای موافق سلطنت بود که خواهان اصلاحاتی جزئی بودند. در همین دوران، اعلام موجودیت "کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر" در شمار اخبار جالب توجه است. نماینده هیئت اجرائیه این کمیته - که یکی از رهبران جبهه ملی بود - با دعوت از خبرگزاریهای معتبر جهان (آسوشیتدپرس، رویتر، یونایتدپرس، بی بی سی، واشنگتن پست، گاردین) به طور رسمی موجودیت این کمیته را اعلام کرد. وی در این مصاحبه نه تنها رژیم شاه را به عنوان عامل اصلی اختناق و جنایت محکوم نکرد، بلکه حتی حاضر نشد کشتار مردم قم را محکوم کند. و تنها به اظهار تأسف اکتفا کرد. در آن زمان، حرکت‌های نمایشی‌ای از سوی رژیم به حمایت از شاه انجام شد و انقلابیون و رهبران مذهبی نیز فعالیت سیاسی و مذهبی خود را علیه رژیم شدت بخشیدند. چهل شهدای قم فرا رسید. این چهل، خود نتایج بسیار جالبی برای انقلاب و حرکت‌های بعدی در پی داشت. امام خمینی که در آن زمان در نجف اشرف به سر می‌برد، در بخشی از بیانات خود که به مناسبت چهل شهدای واقعه نوزدهم دی ماه قم بیان داشتند، فرمودند: "الان امروز چهل روز است که از مرگ جوانهای ما، از مرگ طلاب علوم دینی، علمای بزرگ، جوانان متدین قم می‌گذرد... با چه شجاعت این اهل قلم و طلاب علوم دینی، با چه شجاعت که شاید در تاریخ کم‌نظیر باشد و دست خالی با این دولت و با این عمال شاه مبارزه کردند و کشته دادند و حتی در خیابانها و در کوچه‌ها و در پس کوچه‌ها از قراری که ذکر شده است مأمورین ریخته‌اند و مردم هم بعد از کشتار، آنقدر که می‌شده است مقاومت کرده‌اند". نتایج و پیامدها واقعه نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶، به لحاظ نتایج و پیامدها از چند نظر شایان توجه است: اول آنکه: سازش شاه و کارتر و توخالی بودن شعار حقوق بشر کارتر و فضای باز سیاسی شاه را به مردم ایران نشان داد و مردم را متوجه کرد که این شعارها و سیاستها حربه‌ای بیش نیست. دوم آنکه: ثابت کرد که شاه از حرکت مذهبی - سیاسی به رهبری روحانیت و در رأس آنها امام، بیش از هر حرکت سیاسی دیگر وحشت دارد و آن را تهدید بزرگی علیه حاکمیت خود می‌داند. سوم آنکه: آنچه را که رژیم از آن وحشت داشت - که همان مطرح شدن رهبری امام در حوزه‌های علمیه بود - به تبع قیام نوزده دی، رهبری امام در حوزه‌های علمیه و به حرکت در آمدن روحانیت در خط امام، زمینه قرار گرفتن نهضت در مسیر صحیح مبارزه را فراهم آورد و حتی ترفندهای بعدی رژیم را بی‌اثر ساخت. چهارم آنکه: قیام نوزده دی قم ثابت نمود که جریان حقوق بشر و فضای باز سیاسی، طلیعه‌ای برای میدان دادن به ملیون، لیبرالها و ... بوده و آمریکا و رژیم شاه، عملاً در جذب مردم به سوی میانه‌روها موفقیتی نداشته‌اند و در ضمن این جریان هیچ پایگاهی در میان مردم به دست نیاورده است. پنجم آنکه: متحجرین و مقدسین حوزه‌ها، و کسانی که مروج جدایی دین از سیاست بودند و همواره درس و بحث و فقه و اصول و ... را به مبارزه با شاه ترجیح می‌دادند، شکست خوردند و مردم نیز دانستند که باید

سراغ چه کسانی بروند. ششم آنکه: رژیم شاه را در مقابل مردم قرار داد و ماهیت ضد مردمی آن را برای بسیاری آشکار ساخت و از آن پس بود که شعار "مرگ بر شاه"، شعار اصلی و تکیه کلام توده‌های انقلابی شد. هفتم آنکه: باعث تعمیق و مردمی شدن نهضت و شرکت هر چه بیشتر توده‌های مذهبی بویژه جوان در آن گردید. هشتم آنکه: برخی از احزاب و جمعیت‌های سیاسی که حرکت سیاسی خود را با اتکا به حقوق بشر کارتر و فضای باز سیاسی ایجاد شده توسط شاه و در چهارچوب قانون اساسی شکل داده بودند، به تدریج از حرکت انقلابی امام و مردم جدا شدند و به دامن آمریکا و غرب توسل جستند. نهم آنکه: با قیام قم، آهنگ حرکت انقلاب به صورت "استراتژی چهل‌ها" ی پشت سر هم، با صورت و محتوای کاملاً اسلامی شتاب فزاینده و گسترده‌تری به خود گرفت و رهبری امام در این حرکت به عنوان نقش اصلی مبارزه با رژیم شاه ظاهر شد.